



اشتباه مهلک و اشنگتن

چرا اسرائیل سعی دارد پای آمریکا را به جنگ باز کند؟

گروه بین الملل: پیوستن به تجاوز اسرائیل علیه ایران به منافع ایالات متحده و امنیت بین المللی آسیب می‌رساند، نه اینکه آن را پیش ببرد. با توجه به اینکه حمایت از منافع ایالات متحده و امنیت بین المللی چیزی نبود که منجر به آغاز جنگ توسط اسرائیل شد، این استدلال نباید تعجب‌آور باشد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، استدلال می‌کند که برنامه هسته‌ای ایران تهدیدی برای آمریکا و نه فقط اسرائیل است، اما مسئله هسته‌ای انگیزه اصلی حمله اسرائیل نبوده است.

انگیزه‌های اصلی اسرائیل برای جنگ شامل مواردی است که مختص اسرائیل است و ایالات متحده در آنها سهیم نیست؛ از جمله خرابکاری در دیپلماسی ایالات متحده با ایران. یکی دیگر از انگیزه‌های اسرائیل، منحرف کردن توجه نه تنها ایالات متحده، بلکه سایر نقاط جهان از آنچه اسرائیل با فلسطینیان انجام می‌دهد، است. برخی از آشکارترین کشتار ساکنان گرسنه نوار غزه که به دنبال کمک غذایی بودند، از زمان آغاز حمله اسرائیل علیه ایران رخ داده است. اظهارات علنی دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در مورد جنگ اسرائیل به سرعت از بی‌تفاوتی ظاهری به حمایت مشتاقانه تبدیل شده است و حتی به استفاده از ضمیر اول شخص «ما» هنگام ادعای برتری هوایی بر ایران نیز کشیده شده است. همانطور که چارلی استیونسون از دانشگاه جان هاپکینز می‌گوید، ترامپ آشکارا به دنبال کسب اعتبار برای پایان دادن به تهدید هسته‌ای ادعایی ایران است.

اهداف اعلام‌شده (ناپودی برنامه هسته‌ای ایران) یا اهداف فرضی (تغییر رژیم در تهران) جنگ، از جمله معیارهایی هستند که بر اساس آنها باید دخالت احتمالی ایالات متحده در جنگ مورد قضاوت قرار گیرد.

جنگ، با یا بدون دخالت ایالات متحده، احتمال ساخت سلاح هسته‌ای ایران را کمتر نمی‌کند و ممکن است آن را بیشتر کند. جنگ برای جلوگیری از ساخت سلاح هسته‌ای ایران ضروری نبود. قضاوت قبل از جنگ اطلاعات ایالات متحده این بود که ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست. ایران با تمایل و با نیت جدی، در حال مذاکره با ایالات متحده برای رسیدن به توافق جدیدی بود که مانع از ساخت چنین سلاحی شود.

ایران با امضای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۲۰۱۵ و پایبندی به مفاد آن تا سه سال پس از خروج ترامپ از این توافق، نشان داد که نیتها جنگ غیرضروری است، بلکه ممنوعیت غنی‌سازی اورانیوم نیز غیرضروری است. برجام از طریق محدودیت‌های مذاکره‌شده دقیق و نظارت بین المللی پیشرفته، تمام مسیرهای ممکن برای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را بسته بود. تطبیق این سابقه دیپلماتیک با هرگونه تصویری که می‌گوید ایران مصمم به دستیابی به سلاح هسته‌ای بوده است، غیرممکن است.

خسارتی که اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران وارد کرده است، حتی اگر ایالات متحده با استفاده از بمب‌های ۳۰ هزار پوندی برای تبدیل تأسیسات غنی‌سازی زیرزمینی در فردو به یک گودال، به آن بیفزاید، برنامه هسته‌ای ایران را به عقب می‌راند، اما آن را از بین نمی‌برد. همچنین توانایی ایران برای ساخت سلاح

هسته‌ای را در صورت تمایل به انجام این کار از بین نمی‌برد. آبشارهای سانتریفیوژ را می‌توان بازسازی کرد و دانش تخصصی مربوطه در ایران محدود به دانشمندانی نیست که اسرائیل در طول هفته گذشته ترور کرده است.

نیت‌های ایران حداقل به اندازه توانایی‌های ایران مهم هستند. هیچ رویدادی به اندازه یک حمله مسلحانه به خاک کشورشان، سیاست‌گذاران ایرانی را به سمت تصمیمی که تاکنون نگرفته بودند - یعنی ساخت سلاح هسته‌ای - سوق نمی‌دهد. صدهایی که در تهران طرفدار برداشتن این گام هستند، با این استدلال ایران به یک عامل بازدارنده در برابر حملات آینده نیاز دارد، بدون شک پس از حمله اسرائیل قوی‌تر می‌شوند. اگر ایالات متحده به جنگ اسرائیل بپیوندد، این صداها قوی‌تر هم خواهند شد.

اگر ایران چنین تصمیمی بگیرد، تغییر مسیر بعدی برنامه هسته‌ای ایران به سمت اهداف نظامی، خارج از دید بازرسان بین المللی انجام خواهد شد. حمله اسرائیل مذاکرات را که با هدف یک توافق هسته‌ای جدید انجام می‌شد از مسیر خود خارج کرده است و در نتیجه این حملات یکی از اهداف نتانیاهو را محقق کرده است. حالا مداخله نظامی ایالات متحده ممکن است چشم‌انداز مذاکرات آینده را به طور نامحدود از بین ببرد. ایالات متحده و سایر قدرت‌های خارجی بسیار کمتر از آنچه در رویه‌های بازرسی سرزده برجام اتفاق افتاد، قادر به ردیابی فعالیت‌های ایران در جبهه هسته‌ای خواهند بود.

دخالت نظامی ایالات متحده در تهاجم اسرائیل، خطر بالای تبدیل شدن این درگیری به یک جنگ بی‌پایان را به همراه دارد. ترامپ ممکن است معتقد باشد که می‌تواند این کار را یکباره انجام دهد، مانند پرتاب بمب‌های سنگرشکن روی فردو و سپس اعلام پایان ماموریت، اما بعید است که این پایان‌نبرد ایالات متحده با ایران باشد. پراکندگی تأسیسات و مواد هسته‌ای توسط ایران، احتمالاً پس از تصمیم ایران برای ساخت مخفیانه بمب، به معنای یک مأموریت جست‌وجو و نابودی طولانی مدت خواهد بود. این به نمونه دیگری از «چمن‌زنی» اسرائیل تبدیل خواهد شد، با این تفاوت که این چمن‌زنی شامل ایالات متحده نیز خواهد شد. ترامپ تحت فشار خواهد بود تا همچنان درگیر بماند.

در مورد تغییر رژیم، اولین چیزی که باید به خاطر داشت این است که سابقه ایالات متحده در تغییر رژیم در خاورمیانه چقدر اسفناک بوده است. وقتی نیتها خود تغییر، بلکه رویدادهای بعدی ناشی از این تغییر را نیز در نظر می‌گیریم مسئله بیشتر واضح می‌شود. یک نمونه بارز، جنگ تهاجمی است که رژیم صدام حسین را در عراق سرنگون کرد، باتلاقی هشت‌ساله ایجاد کرد که باعث تلفات هزاران آمریکایی شد و گروه‌های تروریستی را به وجود آورد که بخش‌های بزرگی از سوریه و همچنین عراق را تصرف کردند. مثال دیگر لیبی است؛ جایی که حمایت ایالات متحده از سرنگونی معمر قذافی - که پیش از این با میل و رغبت، از طریق مذاکره، تمام برنامه‌های سلاح‌های غیرمتعارف خود را تسلیم کرده و به مشارکت در تروریسم بین المللی پایان داده بود - منجر به بی‌نظمی شد و بی‌ثباتی را به منطقه اطراف گسترش داد و لیبی را بدون یک دولت پایدار رها کرد و این وضعیت تا به

امروز ادامه دارد. چشم‌انداز جنگ فعلی در ایران، با یا بدون دخالت ایالات متحده، برای تسریع تغییر رژیم، مبهم است. حمله اسرائیل، اثر معمول «اتحاد زیر پرچم» را ایجاد کرده است. صدهای مخالف در داخل ایران، بین ملت ایران و حکومت تمایز قائل می‌شوند، و همبستگی به نمایندگی از ملت ایران، اولویت فوری ملت ایران است. جنگ شرایطی نیست که در آن برخی عناصر میانه‌رو که در انتظارند، بتوانند یک سوئیس در خلیج فارس ایجاد کنند.

اسرائیل، با نفوذ اثبات‌شده خود در میان عناصر مخالف در داخل ایران، باید به اندازه هر کس دیگری از این موضوع آگاه باشد. دولت اسرائیل احتمالاً از وضعیتی مانند لیبی، هرج و مرج و ضعف، راضی خواهد بود. اسرائیل به هیچ وجه نمی‌خواهد نظامی در ایران پدیدار شود یک مودراسی پایدار و میانه‌رو است و روابط خوبی با ایالات متحده دارد. چنین تحولی، محور اصلی سیاست خارجی اسرائیل است و در این محور ایران به عنوان یک عامل مزاحمی که اسرائیل دائماً توجه جهان را به آن جلب می‌کند قلمداد می‌شود.

فراتر از فقدان نتایج مطلوب از دخالت ایالات متحده در جنگ چه در مورد برنامه هسته‌ای و چه در مورد تغییر رژیم، هزینه‌ها و پیامدهای دیگری نیز وجود دارد. به طور مستقیم، افراد بیشتری از جمله آمریکایی‌ها جان خود را از دست خواهند داد. ایران قطعاً حمله متقابل خواهد کرد؛ هم علیه تأسیساتی که ۴۰ هزار پرسنل نظامی ایالات متحده را در خاورمیانه در خود جای داده و هم شاید از طریق عملیات مخفی در جاهای دیگر. بی‌ثباتی منطقه‌ای افزایش خواهد یافت. دخالت ایالات متحده و پاسخ اجتناب‌ناپذیر ایران به معنای جنگی گسترده‌تر خواهد بود.

ابعاد بی‌ثباتی منطقه‌ای نیز باید در نظر گرفته شود. هدف اسرائیل دور نگه داشتن سلاح‌های هسته‌ای از خاورمیانه نیست، بلکه حفظ انحصار هسته‌ای منطقه‌ای برای خودش است. این انحصار بخشی از پیشینه مصونیتی است که اسرائیل با آن به مخرب‌ترین بازیگر در خاورمیانه تبدیل شده و بانبروهای مسلح خود به کشورهای بیشتری در منطقه حمله کرده است. دخالت مستقیم ایالات متحده در جنگ فعلی اسرائیل علیه ایران، به منزله تأیید و تشویق این رفتار بی‌ثبات‌کننده خواهد بود.

بی‌ثباتی در جاهای دیگر نیز با وارد شدن ضربه به نتاجار عدم تجاوز و قوانین بین المللی افزایش خواهد یافت. همانطور که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، با نادیده گرفتن انتقادات بین المللی از اقدامات تجاوزکارانه خود علیه اوکراین، به حمله ایالات متحده به عراق اشاره کرد. در این مورد هم مشارکت ایالات متحده در یک جنگ تهاجمی دیگر باز هم پوتین را به لفاظی‌های بیشتر وادار خواهد کرد و به این ترتیب هرگونه بازدارندگی آمریکا در برابر روسیه، چین یا هر قدرت دیگری کاهش خواهد یافت. از این پس، ایالات متحده به عنوان یک شریک مذاکره‌کننده، حتی کمتر از قبل مورد اعتماد خواهد بود، زیرا بسیاری از ناظران، به درست یا غلط، به همان نتیجه‌ای می‌رسند که بسیاری از ایرانیان بدون شک به آن رسیده‌اند و آن اینکه تلاش آشکار دولت ترامپ برای دستیابی به یک توافق هسته‌ای، پوششی برای یک حمله نظامی بوده است. قدرت نرم ایالات متحده نیز ضربه دیگری را متحمل خواهد شد.



تا توقف تجاوز حرفی با آمریکا نداریم

وزیر امور خارجه گفت: در شرایطی که تجاوزات با رژیم صهیونیستی ادامه دارد آمریکایی‌ها خواهان مذاکره هستند و چند بار پیام دادند ولی صراحتاً گفته‌ایم تا وقتی که تهاجم و تجاوز متوقف نشود حرف از گفت‌وگو جایی ندارد. با آمریکا به عنوان شریک این جنایت هیچ صحبتی نداریم. سیدعباس عراقچی با اشاره به تعاملاتش با سازمان ملل و آژانس و گفت‌وگو درباره جلسات اضطراری اظهار کرد: طبیعی است که از شورای امنیت، از شورای حکام و سازمان‌های اینگونه که غربی‌ها اکثریت آن را دارند توقع نمی‌رود که اقدامی علیه رژیم صهیونیستی انجام دهند و ما هم توقعی نداشتیم ولی می‌خواستیم این به دنیا ثابت شود و نشان داده شود. در عرصه کشورهای عربی و کشورهای منطقه موج محکومیت خیلی قوی بود و من کشوری در منطقه را سراغ ندارم که این محکومیت را انجام نداده باشد. عراقچی افزود: به لحاظ حقوق بین الملل و به لحاظ وجدان بشری، واقعاً دست بالاتر را داریم. حتی وقتی با غربی‌ها صحبت می‌کنم، استدلال ما را که می‌شنوند، هیچ حرفی برای گفتن ندارند. ما در حال مذاکره و اجرای دیپلماسی بودیم و بعد ناگهان رژیم صهیونیستی این حمله تجاوزکارانه را انجام می‌دهد. این چه دلیلی و چه مشروعیتی می‌تواند داشته باشد که آن را محکوم نمی‌کنند؟ وزیر امور خارجه با اشاره به اینکه برخی کشورها تماس می‌گیرند و از سر خبرخواهی یا هر چیزی می‌گویند کاهش تنش دهیم و به دیپلماسی برگردیم، گفت: من پاسخ می‌دهم که ما وسط دیپلماسی بودیم، به چه چیزی برگردیم؟ وی افزود: تقاضا برای پایان این جنگ از حالا شروع شده و بیشتر هم خواهد شد و این نشان‌دهنده این است که مقاومت مردم ایران چقدر مؤثر بوده و چقدر مؤثر خواهد بود. وزیر امور خارجه در واکنش به ادعای رسانه‌های غربی درباره مذاکرات ایران و آمریکا گفت: به نظر می‌رسد آن‌ها با این خبرسازی‌های تمایل خود به مذاکره و دیپلماسی را به زبان بی‌زبانی اعلام می‌کنند اما در این زمینه باید تکلیف روشن شود، ما در شرایط حاضر و در حالی که تهاجمات رژیم صهیونیستی ادامه دارد، خواهان مذاکره با هیچ‌کسی نیستیم. وی تأکید کرد: ایران صراحتاً اعلام کرده است که تا وقتی که این تهاجم و تجاوز متوقف نشود، اصولاً حرف از گفت‌وگو و دیپلماسی جایی ندارد. رئیس دستگاه دیپلماسی تصریح کرد: اما اگر دیگران درخواست گفت‌وگو کنند، (در حال حاضر مذاکره معنایی ندارد و در مرحله گفت‌وگو هستیم) ایران مشکلی ندارد. در حال حاضر سه کشور اروپایی و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا درخواست گفت‌وگوی ۴ طرفه داشتند که در ژنو انجام خواهد شد. عراقچی افزود: اگر حرفی داشته باشند می‌شنویم و برای دفاع از حقوق مردم ایران از موضوعی خجالت نمی‌کشیم و از هیچ کس فراری نیستیم و در هر صحنه‌ای حاضر هستیم، مگر اینکه منافع ما اقتضا نکند. وی با تأکید مجدد بر اینکه موضوع گفت‌وگو در ژنوفقط هسته‌ای و مسائل منطقه‌ای است، گفت: ایران در خصوص مسائل موشکی با هیچ‌کس هیچ گفت‌وگویی ندارد. عراقچی افزود: موشک‌های ما هرگز برای حمله به هیچ‌کس نبوده‌اند بلکه برای دفاع از کشور است و در حال حاضر موشک‌های ما این دفاع را انجام داده و بازدارندگی ایجاد می‌کنند. وزیر امور خارجه تأکید کرد: هرگز هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند بپذیرد که ایران درباره توانمندی‌های دفاعی خود گفت‌وگو یا سازشی کند. اصلاً چنین موضوعی در دستور کار ما وجود ندارد. عراقچی درباره ادعای حمله ایران با بیمارستانی در سرزمین‌های گفت: نیروهای مسلح توانمند ایران در وهله نخست تنها اهداف و مراکز نظامی را در سرزمین‌های اشغالی مورد هدف قرار می‌دهند و پس از اینکه رژیم صهیونیستی به مراکز اقتصادی ایران حمله کرد، ایران هم به مراکز اقتصادی آنجا حملاتی را اضافه کرد. وی تصریح کرد: منطقه مسکونی، مردم عادی و ساختمان‌های عادی به‌ویژه بیمارستان‌ها به‌هیچ‌وجه در اهداف ما وجود ندارد و به این موضوع کاملاً دقت داریم و من باخبرم که حملات موشکی بسیار با دقت طراحی شده و موازین اخلاقی و حقوق بین الملل درباره جنگ در آن رعایت می‌شود. وزیر امور خارجه ادامه داد: شنیدن این مویه‌ها و مظلوم‌نمایی‌ها و پذیرفتن چنین ادعاهایی از رژیم‌های خود در غزه بیمارستان‌ها را عمداً مورد هدف و بیماراران قرار داده و حتی برخی وقت‌ها به بیماران هم کفایت نکرده و نیروهای مسلح آن‌ها را وارد بیمارستان شده و بیماران را در آنجا به گیار بسته و به قتل رسانده‌اند، مضحک و خنده‌دار است.